شتابزدگی در اعلام رأی پرونده شهید آرمان

افکار عمومی قانع نشده‌است

حسین فصیحی

اعلام صدور رأی بدوی پرونده شهادت شهید آرمان علی‌وردی در دادگاه انقلاب، آن هم در شرایطی که هنوز موج انتقادها نسبت به رأی دادگاه کیفری یک استان تهران فروکش نکرده، نه تنها به آرام شدن فضای عمومی کمک نکرد، بلکه ابهام‌ها و نگرانی‌های تازه‌ای را نیز به همراه آورد.

■■■

دستگاه قضایی روز گذشته در اطلاعیه‌ای کوتاه اعلام کرد تعدادی از متهمان پرونده شهید آرمان به اتهام افساد فی‌الارض به «اشد مجازات» محکوم شده‌اند، اما بدون آنکه جزئیات حکم، تعداد محکومان یا ابعاد دقیق رأی را تشریح کند، از اعلام بیشتر خودداری کرد و همه چیز را به قطعی شدن حکم در دیوان عالی کشور موکول کرد.

این اطلاع‌رسانی مبهم دقیقاً پس از آن صورت گرفت که رأی صادره از دادگاه کیفری یک استان تهران با موجی از اعتراض و نارضایتی در افکار عمومی روبه‌رو شد؛ رأیی که بر اساس آن، به دلیل مشخص نبودن فرد وارد‌کننده ضربه نهایی منجر به شهادت شهید آرمان، امکان صدور حکم قصاص منتفی اعلام شد و تنها سه نفر از متهمان به حبس و پرداخت دیه محکوم و سه متهم دیگر نیز از اتهام مشارکت در قتل تبرئه شدند.

■ **عدم تناسب مجازات با جرم**

برای بخش بزرگی از جامعه، خصوصا کسانی که تصاویر و جزئیات شهادت مظلومانه شهید آرمان را دیده بودند، این رأی با نوع جنایت تناسب نداشت. همین مسئله سبب شد فضای عمومی به شدت ملتهب شود و بسیاری این پرسش را مطرح کنند که چگونه در پرونده‌ای با این حجم از خشونت، هیچ فردی به عنوان عامل قطعی قتل شناسایی نشده‌است. در چنین فضایی، قوه قضائیه ناگهان خبر صدور رأی دادگاه انقلاب را منتشر کرد، اما این اقدام به جای اقناع افکار عمومی، بیشتر به تلاشی برای کنترل موج انتقادها شباهت داشت. نکته مهم آن است که خود این رأی نیز هنوز بدوی است و قابلیت فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور را دارد، بنابراین این پرسش جدی مطرح می‌شود که اگر قرار بود به دلیل قطعی نبودن حکم، جزئیات رأی دادگاه انقلاب اعلام نشود، چرا جزئیات رأی دادگاه کیفری یک پیش از قطعیت رسانه‌ای شد؟

■ **دوگانگی در اطلاع‌رسانی**

این دوگانگی در اطلاع‌رسانی، اکنون به یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد از عملکرد رسانه‌ای دستگاه قضایی تبدیل شده‌است.

افکار عمومی احساس می‌کند در پرونده‌ای با چنین حساسیتی، اطلاع‌رسانی‌ها پراکنده، ناقص و گاه شتابزده بوده‌است؛ موضوعی که نه‌تنها از التهاب جامعه نکاسته، بلکه زمینه‌ساز گسترش بی‌اعتمادی و ابهام شده‌است.

■ **جنایت داعش‌گونه**

واقعیت این است که پرونده شهید آرمان علی‌وردی از همان ابتدا صرفاً یک پرونده جنایی معمولی نبود. شامگاه چهارم آبان ۱۴۰۱، طلبه بسیجی ۲۱ ساله‌ای که در حوزه تربیتی و فعالیت‌های فرهنگی شناخته می‌شد، در جریان ناآرامی‌های شهرک اکباتان هدف حمله گروهی قرار گرفت و به شکلی فجیع مورد ضرب و جرح واقع شد. تصاویر منتشرشده از صحنه حادثه و روایت‌های شاهدان، خشونتی کم‌سابقه را به تصویر می‌کشید؛ خشونتی که بسیاری آن را با جنایت‌های داعش‌گونه مقایسه کردند. همین شدت خشونت سبب شد افکار عمومی از همان ابتدا انتظار برخوردی قاطع، سریع و شفاف از دستگاه قضایی داشته باشد، اما اکنون با گذشت حدود چهار سال از آن حادثه، نه‌تنها روند رسیدگی طولانی شده بلکه نوع اعلام آرا نیز نتوانسته احساس عدالت را در جامعه تقویت کند.

■ **شخصیت شهید آرمان**

آنچه حساسیت این پرونده را دوچندان می‌کند، فقط اصل جنایت نیست، بلکه شخصیت شهید آرمان نیز در شکل‌گیری احساسات عمومی نقش مهمی داشته‌است. او در روایت‌هایی که دوستان، اطرافیان و فعالان فرهنگی از او ارائه کرده‌اند، جوانی مخلص، متدین، اهل خدمت و کمک به مردم معرفی شده است؛ فردی که در سن ۲۱ سالگی بخش مهمی از زندگی خود را صرف فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی کرده‌بود. همین تصویر باعث شد شهادت او برای بخشی از جامعه، نماد مظلومیت و خشونت عریان علیه یک جوان انقلابی تلقی شود. از سوی دیگر، پرونده شهید آرمان یک مسئله مهم اجتماعی را نیز پیش روی جامعه قرار داد؛ اینکه چه عواملی باعث می‌شود خشونت در بخشی از جامعه تا این اندازه افسار گسیخته و بی‌رحمانه بروز پیدا کند؟ چگونه ممکن است گروهی از جوانان در یک فضای خیابانی، انسانی را محاصره کرده و با آن حجم از قساوت مورد ضرب و جرح قرار دهند؟

■ **گم شدن مطالبه مردمی**

این پرسش‌ها صرفاً جنبه قضایی ندارند و نیازمند بررسی‌های عمیق جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و فرهنگی هستند. جامعه علمی و دانشگاهی باید به این مسئله بپردازد که چه زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری چنین خشونت‌هایی می‌شود و چگونه می‌توان از تکرار آن جلوگیری کرد، اما در کنار این بحث‌های ریشه‌ای، مطالبه اصلی مردم همچنان معطوف به نحوه برخورد قضایی با عاملان این جنایت است. منتقدان آرای صادره معتقدند اگر برخورد قضایی در چنین پرونده‌هایی بازدارنده و قاطع نباشد، این نگرانی به وجود می‌آید که خشونت‌های خیابانی سازمان‌یافته در آینده نیز تکرار شوند. آنها می‌گویند جامعه باید احساس کند ساختار عدالت در برابر چنین جنایت‌هایی با اقتدار کامل ایستاده است و هیچ خلئی در دفاع از امنیت عمومی و خون قربانیان وجود ندارد.

■ **مدارا با مجرمان**

در این میان، موضوع واکنش نهادها و رسانه‌های مدعی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته‌است. برخی معتقدند کسانی که از مجازات عاملان این جنایت‌ها انتقاد می‌کنند، اگر تصاویر کامل حادثه و ابعاد خشونت اعمال‌شده را مشاهده کنند، شاید در قضاوت خود تجدیدنظر کنند. این پرسش مطرح می‌شود که آیا در کشورهای غربی نیز اگر گروهی با چنین خشونتی فردی را به قتل برسانند، باز هم همین میزان مدارا و حساسیت نسبت به مجازات عاملان وجود خواهد داشت؟

با این حال، نقد روند رسیدگی قضایی به معنای دخالت در امر قضا نیست. جامعه حق دارد درباره پرونده‌ای که به یکی از نمادهای خشونت خیابانی سال‌های اخیر تبدیل شده، مطالبه شفافیت، سرعت و اقناع داشته باشد. به ویژه آنکه رهبر شهید نیز با حضور بر مزار شهید آرمان، به نوعی بر اهمیت معنوی و اجتماعی این پرونده تأکید کردند.

■ **موج انتقاد**

امروز مسئله اصلی آن است که بخش قابل توجهی از افکار عمومی همچنان احساس می‌کند نه رأی دادگاه کیفری یک و نه نحوه اعلام رأی دادگاه انقلاب، نتوانسته پاسخ قانع‌کننده‌ای به مطالبه عدالت بدهد. شاید به همین دلیل است که هر اطلاعیه جدید درباره این پرونده، به جای پایان دادن به ابهام‌ها، موج تازه‌ای از بحث و انتقاد را به همراه می‌آورد.

قتل دانشجوی ۲۲ ساله در نزاع شبانه

آرمین بینا

دانشجوی ۲۲ ساله‌ای که در جریان درگیری خونین با چند نفر از بچه‌محل‌هایش هدف ضربه میله آهنی قرار گرفته‌بود، پس از دو روز بستری در بیمارستان تسلیم مرگ شد؛ قتلی که به گفته متهمان، ریشه در اختلاف بر سر خرید و فروش مواد مخدر در محله داشت.

شامگاه شنبه سوم خردادماه، مأموران کلانتری خزانه مرگ مشکوک پسر جوانی را به قاضی صادق‌زاده، بازپرس جنایی تهران گزارش کردند. دقایقی بعد بازپرس همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان شد تا تحقیقات درباره این پرونده آغاز شود. بررسی‌ها نشان داد جسد متعلق به پسر ۲۲ ساله‌ای به نام میلاد است که دو روز قبل در جریان یک نزاع دسته‌جمعی به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌بود، اما به دلیل شدت ضربه واردشده به سر، جانش را از دست داده‌است.

■ **درگیری مرگبار با بچه‌محل‌ها**

تحقیقات اولیه حکایت از آن داشت که میلاد دانشجو بوده و با چند نفر از بچه‌محل‌هایش اختلاف داشته‌است. همین اختلاف‌ها سرانجام به درگیری خیابانی خونینی ختم شد. چند شاهد ماجرا در تحقیقات پلیسی گفتند پنج تا شش نفر به میلاد حمله کرده بودند و در میان آنها جوانی به نام محمد با میله آهنی ضربه‌ای سنگین به سر او وارد کرده‌است.

یکی از شاهدان به مأموران گفت: «دیدیم چند نفر دور میلاد را گرفتند. درگیری بالا گرفت و ناگهان محمد با میله به سرش ضربه زد. میلاد روی زمین افتاد و حالش خیلی بد بود.»

■ **سرنخ دوربین‌های مداربسته**

پس از ثبت اظهارات شاهدان، کارآگاهان تصاویر دوربین‌های مداربسته اطراف محل درگیری را بررسی کردند. در ادامه تحقیقات، چند نفر از شرکت‌کنندگان در نزاع از جمله محمد بازداشت شدند. محمد در بازجویی‌ها مدعی شد انگیزه درگیری، سوءظن درباره لو دادن یکی از فروشندگان مواد مخدر محل به پلیس بوده‌است. او گفت: «یکی از دوستانم خرید و فروش مواد مخدر انجام می‌داد. مقتول همیشه به او تذکر می‌داد این کار را کنار بگذارد و جوان‌های محل را آلوده نکند. حتی گفته بود اگر ادامه بدهد به پلیس خبر می‌دهد.»

■ **قرار شبانه‌ای که به قتل ختم شد**

متهم ادامه داد: «بعد از مدتی دوستم بازداشت شد و ما فکر کردیم میلاد او را به پلیس معرفی کرده‌است. برای همین شب حادثه با او قرار گذاشتیم تا حرف بزنیم. او قبول نمی‌کرد که خبر داده‌باشد، اما سر همین موضوع بحث‌مان شد و درگیری بالا گرفت. محمد اگرچه حضور در نزاع را پذیرفت، اما مدعی شد نمی‌داند چه کسی ضربه نهایی را به سر میلاد زده‌است. در حالی که بررسی‌های پلیسی برای مشخص شدن عامل اصلی ضربه مرگبار ادامه دارد، کارآگاهان در حال تحقیق از سایر متهمان بازداشت‌شده و بازبینی دوباره تصاویر دوربین‌های مداربسته هستند تا جزئیات این جنایت خیابانی روشن شود.

بازداشت اوباش فراری در ترمینال تهران

دو نفر از اوباش سابقه‌دار که پس از شرکت در یک نزاع و ایجاد شرارت در جنوب تهران متواری شده بودند، سرانجام در جریان عملیات ضربتی پلیس در بازار مرکزی میوه و تره‌بار تهران دستگیر شدند.

در پی وقوع یک درگیری و شرارت در حومه تهران، پرونده‌ای با دستور قضایی در اختیار تیم عملیات پایگاه دهم پلیس اطلاعات قرار گرفت و مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری عاملان اصلی آغاز کردند. بررسی‌های اطلاعاتی و رصدهای میدانی نشان داد متهمان که از اراذل و اوباش سابقه‌دار هستند، پس از ارتکاب شرارت برای فرار از دست پلیس در بازار مرکزی میوه و تره‌بار تهران مخفی شده‌اند. کارآگاهان پس از چند روز تعقیب و ردزنی دقیق، سرانجام مخفیگاه متهمان را شناسایی کردند و در عملیاتی غافلگیرانه وارد عمل شدند. دو متهم که به گفته پلیس با رفتارهای هنجارشکنانه موجب ایجاد ناامنی و سلب آسایش عمومی شده بودند، در این عملیات دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شدند. در بازرسی از مخفیگاه آنها نیز دو قبضه سلاح سرد شامل قمه و چاقو کشف و ضبط شد. بررسی‌های پلیسی نشان داد متهمان پس از ارتکاب شرارت، با هماهنگی یکی از دوستان خود در تره‌بار مرکزی پنهان شده‌بودند تا پس از فروکش کردن حساسیت‌ها، دوباره به محل زندگی خود بازگردند. متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی و مواجهه حضوری با شاکیان، برای ادامه روند رسیدگی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

سرقت طلا با آبمیوه مسموم

زن جوانی که با تعارف آبمیوه آغشته به مواد بیهوش‌کننده، صاحب یک طلافروشی در غرب تهران را از هوش برده و حدود ۵۰۰ گرم طلا سرقت کرده‌بود، ساعاتی بعد در عملیات غافلگیرانه پلیس دستگیر شد.

روز گذشته وقوع یک سرقت به عنف در یک طلافروشی در غرب تهران به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. با دریافت این گزارش، تیم عملیات کلانتری ۱۴۱ گلستان راهی محل حادثه شد و تحقیقات ابتدایی را آغاز کرد.

صاحب طلافروشی در اظهاراتش به مأموران گفت: «ساعتی قبل زن جوانی وارد مغازه شد و خواست طلاها را برای خرید ببیند. او یک نوشیدنی همراهش داشت و به من هم تعارف کرد. بعد از نوشیدن آبمیوه ناگهان احساس گیجی کردم و از هوش رفتم. وقتی به هوش آمدم، متوجه شدم مقدار زیادی طلا از مغازه سرقت شده و زن جوان هم فرار کرده‌است.»

پس از این اظهارات، مأموران پلیس دوربین‌های مداربسته مغازه را بررسی کردند و در جریان تحقیقات، موفق به شناسایی هویت متهم شدند. بررسی‌های پلیسی نشان داد زن جوان پس از سرقت همچنان در همان محدوده تردد دارد. به این ترتیب مأموران خیلی زود او را در خیابان شناسایی کردند و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد. متهم پس از انتقال به کلانتری، در بازجویی‌های اولیه به سرقت اعتراف کرد و اموال سرقتی نیز کشف و با دستور قضایی به صاحب طلافروشی بازگردانده شد.

این زن جوان برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده و بررسی احتمال ارتکاب جرائم مشابه، در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفته و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

قاتل زن تنها به میز محاکمه رسید

جلال مهرگان

دختر جوانی که متهم است پس از مشاجره با زن سالخورده‌ای در شرق تهران، او را با روسری خفه و جسدش را داخل جعبه‌ای زیر تخت پنهان کرده‌است، پس از یک‌سال بازداشت به‌زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود؛ پرونده‌ای هولناک که با نگرانی خواهر مقتول، بوی تعفن در ساختمان و کشف جسد در آپارتمان زن تنها فاش شد.

چند روز بی‌خبری، تماس‌های بی‌پاسخ و بوی تعفنی که آرام‌آرام در راهروی ساختمان پیچیده بود، خواهر نگران یک زن سالخورده را مقابل خانه‌ای کشاند که پشت درهای بسته‌اش جنایتی هولناک پنهان شده‌بود. وقتی مأموران پلیس با کمک آتش‌نشانان قفل آپارتمان را شکستند، با صحنه‌ای روبه‌رو شدند که حتی برای کارآگاهان جنایی هم تکان‌دهنده بود؛ جسد زن تنها داخل جعبه‌ای بزرگ، زیر تخت پنهان شده‌بود و روسری گره‌خورده دور گردنش، راز قتل خفه‌کننده‌ای را فاش می‌کرد. حالا دختری جوان که آخرین‌بار در خانه مقتول دیده شده‌بود، پس از یک سال بازداشت، در انتظار محاکمه در دادگاه کیفری یک استان تهران است.

■ **خواهر نگران مقابل خانه ایستاد**

ظهر ۲۹ مرداد سال گذشته، سکوت مرموز آپارتمانی در شرق تهران با تماس زنی میانسال با مرکز فوریت‌های پلیسی شکسته شد. او با صدایی مضطرب از مأموران درخواست کمک کرد و گفت چند روزی است از خواهر ۷۰ ساله‌اش بی‌خبر مانده است. زن میانسال وقتی مأموران به محل رسیدند، مقابل در بسته خانه ایستاده‌بود و مدام با تلفن همراهش تماس می‌گرفت، اما هیچ پاسخی شنیده نمی‌شد. او به پلیس گفت: «خواهرم سال‌هاست تنها زندگی می‌کند. مرتب با هم در تماس بودیم و به خانه‌اش رفت‌وآمد داشتیم، اما چند روز است هرچه تماس می‌گیرم، جواب نمی‌دهد. امروز نگرانش شدم و خودم به خانه‌اش آمدم، اما زنگ در را هم کسی باز نکرد. حس می‌کنم اتفاق بدی افتاده است.»

همزمان مأموران تحقیقات اولیه را آغاز کردند و سراغ مدیر ساختمان رفتند؛ مردی که حرف‌هایش نخستین سرنخ جدی این پرونده جنایی را در اختیار پلیس قرار داد.

■ **بوی تعفن در ساختمان پیچیده بود**

مدیر ساختمان گفت چند روزی است که ساکنان از بوی نامطبوعی که در طبقات پیچیده گلایه دارند. او توضیح داد: «مدتی بود دختری جوان به خانه حمیده رفت‌وآمد داشت. آخرین بار هم همان دختر را دیدم که از خانه بیرون آمد و پشت فرمان خودروی حمیده نشست.» او ادامه داد: «از او سراغ حمیده را گرفتم. گفت به شهرستان رفته و از او خواسته در نبودش به خانه سرکشی کند. حتی کلید خانه و سوئیچ خودرو هم دستش بود. برای همین به حرفش شک نکردم و اجازه دادم برود.» همین اظهارات کافی بود تا ظن مأموران به وقوع حادثه‌ای جنایی بیشتر شود.

■ **شکستن در آپارتمان و کشف هولناک**

با هماهنگی قضایی، مأموران پلیس به همراه نیروهای آتش‌نشانی وارد عمل شدند. دقایقی بعد، قفل در شکسته شد و تیم جنایی قدم به آپارتمان ساکت و تاریک گذاشت؛ خانه‌ای که بوی تعفن در آن پیچیده بود و نفس کشیدن را دشوار می‌کرد. کارآگاهان اتاق‌ها را یکی‌یکی جست‌وجو کردند تا اینکه در اتاق خواب به جعبه‌ای بزرگ برخوردند که زیر تخت پنهان شده‌بود. وقتی جعبه باز شد، راز جنایت فاش شد؛ جسد زن سالخورده در حالی داخل جعبه قرار داشت که آثار فساد روی پیکرش دیده می‌شد و روسری پیچیده‌شده دور گردنش نشان می‌داد قربانی بر اثر خفگی جانش را از دست داده‌است.

صحنه به قدری تکان‌دهنده بود که بلافاصله بازپرس ویژه قتل در جریان قرار گرفت و تیم بررسی صحنه جرم وارد عمل شد.

■ **آخرین دختری که در خانه مقتول دیده شد**

در جریان تحقیقات، مأموران دریافتند دختری جوان به نام لیلا آخرین فردی بوده که وارد خانه مقتول و سپس با خودروی او از ساختمان خارج شده‌است. ردیابی‌ها آغاز و سرانجام دختر جوان بازداشت شد. او در نخستین بازجویی‌ها سکوت نکرد و خیلی زود لب به اعتراف گشود. لیلا در توضیح رابطه‌اش با مقتول گفت: «مادرم سال‌ها با حمیده دوست بود. گاهی مادرم از شهرستان به تهران می‌آمد و مدتی در خانه او می‌ماند. حمیده هم به مادرم سر می‌زد. مادرم از من خواسته بود هر از گاهی به حمیده سرکشی کنم و من هم این کار را انجام می‌دادم.»

■ **قتل بر سر بدگویی از پدر**

متهم جوان در ادامه، جزئیات روز حادثه را تشریح کرد؛ جزئیاتی که نشان می‌داد مشاجره‌ای ناگهانی به قتلی مرگبار ختم شده‌است. او گفت: «روز حادثه در خانه حمیده بودم که شروع کرد درباره پدرم حرف زدن. می‌گفت مادرم از دست او خیلی اذیت شده‌است. چند بار از او خواستم ادامه ندهد، اما باز هم بدگویی کرد. عصبانی شدم و کنترلم را از دست دادم.» لیلا ادامه داد: «روسری‌اش را برداشتم و دور گردنش انداختم. آن‌قدر فشار دادم تا بی‌حرکت شد.»

■ **جسدی که زیر تخت پنهان شد**

بعد از قتل، دختر جوان با بحرانی تازه روبه‌رو شد؛ پنهان کردن جسد. او در بازجویی‌ها گفت: «اول تصمیم داشتم جسد را از خانه خارج کنم، اما توان جابه‌جایی آن را نداشتم. جعبه‌ای پیدا کردم و جسد را داخلش گذاشتم. بعد جعبه را زیر تخت پنهان کردم تا کسی متوجه نشود.» اما این پایان ماجرا نبود. متهم پس از مخفی کردن جسد، کلید و سوئیچ خودروی مقتول را برداشت و از ساختمان خارج شد؛ همان صحنه‌ای که مدیر ساختمان بعدها برای پلیس تعریف کرد.

لیلا گفت: «با ماشین او از آنجا رفتم تا اینکه چند روز بعد شناسایی و بازداشت شدم.»

■ **درخواست قصاص در دادگاه**

پس از تکمیل تحقیقات، نظریه پزشکی قانونی علت مرگ را خفگی اعلام کرد و بازپرس جنایی با توجه به اعترافات متهم، گزارش کارآگاهان و سایر مدارک موجود در پرونده، لیلا را به اتهام مباشرت در قتل عمد مجرم شناخت.

در ادامه، برای متهم کیفرخواست صادر شد و خواهر مقتول نیز با حضور در دادسرا، برای او درخواست قصاص کرد.

مفقودی

برگ سبز پراید ۱۴۱، مدل ۱۳۸۳، پلاک ۷۷۸ ق ۷۱ ایران ۵۶، شماره موتور ۰۰۹۴۱۰۵۸، شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۳۱۱۰۱۵۲ بنام غلامرضا جباری مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

گواهینامه موقت پایان تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته حسابداری از دانشگاه آزاد واحد اسلامی صومعه سرا متعلق به محمد شیرین کام پیردلی به کد ملی ۲۶۷۷۶۱۶۱۵۷ مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۵

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۳۷۵۹ ۱۴۰۴۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه میر شکاری فرزند غلامعلی به شماره شناسنامه ۰ کد ملی ۳۵۱۰۲۲۷۶۴۶ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی مساحت ۴۲۰۹۰/۵۳ متر مربع درقسمتی از پلاک ۸۹۷ اصلی واقع در قریه عسکری گناوه خریداری مع الواسطه از آقای احمد دشتی و شرکاء محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۳/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۳/۲۰
محمد چهابدار
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکتاش

شناسه آگهی:۲۱۸۴۸۲۸